



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

شبهات مربوط به وظیفه داشتن حکومت اسلامی نسبت به تأمین مالی فقرا

وظیفه اول از وظائف حکومت اسلامی تأمین مالی فقرا به نحوی است که مردم در زندگی مادی خود «عائشین بخیر» بوده و در رفاه و آسایش باشند. در مباحث پیشین، أدله این مطلب مطرح شده و به دو اشکال از اشکالات وارد بر آن پاسخ داده شد.

ج: روایات دال بر جواز پرداخت زکات به بخشی از فقرا

سومین اشکال بر نظریه لزوم تأمین مالی فقرا توسط حکومت اسلامی این است در قبال أدله مطرح شده برای اثبات این نظریه، روایاتی وجود دارد که بر اساس آنها مردم می توانند زکات خود را در بین تعدادی از فقرا تقسیم کنند و به بخشی از فقرا چیزی پرداخت نکنند. در این زمینه روایات متعددی نقل شده است ولی در این مجال به سه روایت اشاره می شود:

الف: روایت احمد بن حمزه

صاحب وسائل در باب ۱۵ از ابواب مستحقین زکات به روایتی از احمد بن حمزه اشاره کرده است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ حَمَزَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ ع رَجُلٌ مِنْ مَوَالِيكَ لَهُ قَرَابَةٌ كُلُّهُمْ يَقُولُ بِكَ وَ لَهُ زَكَاةٌ أَيْجُوزُ لَهُ أَنْ يُعْطِيَهُمْ جَمِيعَ زَكَاتِهِ قَالَ نَعَمْ.^۱

این روایت در مورد شخصی است که دارای خویشاوندانی بوده است که همه شیعه بوده اند و آن شخص قصد پرداخت زکات داشته است. از امام صادق علیه السلام در مورد پرداخت همه زکات به خویشاوندان سؤال خود کرده است و امام صادق علیه السلام نیز اجازه پرداخت داده اند. کلام امام صادق علیه السلام اطلاق دارد و حتی شامل فرضی که غیر از خویشاوندان آن شخص، افراد فقیر دیگر وجود داشته باشد، می شود. در این روایت امام صادق علیه السلام از وجود داشتن افراد نیازمند در بین همسایگان سؤال نکرده اند بلکه به صورت مطلق پاسخ داده اند که پرداخت زکات به خویشاوندانی که فقیر هستند، جایز است. در نتیجه از این روایت استفاده می شود که تقسیم زکات در بین همه فقرا لازم نیست.

ب: روایت هشام بن حکم

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي الرَّجُلِ يُعْطَى الزَّكَاةَ يُقْسِمُهَا لَهُ أَنْ يُخْرِجَ الشَّيْءَ مِنْهَا مِنَ الْبُلْدَةِ الَّتِي هُوَ بِهَا إِلَى غَيْرِهَا فَقَالَ لَا بَأْسَ.^۲

این روایت در مورد انتقال زکات از یک شهر به شهر دیگر است که در آن امام صادق علیه السلام خارج کردن زکات از شهر محل سکونت شخص را اجازه فرموده اند. از این روایت نیز استفاده می شود که لازم نیست که همه فقرا تأمین گردند، بلکه پرداخت زکات به بخشی از فقرا کافی است؛ حتی اگر فقرائی که به آنها زکات پرداخت می شود، از شهروندانی باشند که پرداخت کننده زکات، اهل آن شهر نیست.

۱. وسائل الشیعة ۹: ۲۴۵.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۲۸۲.



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

ج: روایت جابر بن یزید جعفی

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعَلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ عَبْدِ الْمُؤْمِنِ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ عَمْرِو بْنِ شِمْرٍ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: أَقْبَلَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَنَا حَاضِرٌ فَقَالَ رَحِمَكَ اللَّهُ أَقِضْ مِنِّي هَذِهِ الْخَمْسِمَائَةَ دِرْهَمٍ فَضَعَهَا فِي مَوَاضِعِهَا فَإِنَّهَا زَكَاةٌ مَالِي فَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ بَلْ خُذْهَا أَنْتَ فَضَعَهَا فِي جِيرَانِكَ وَ الْأَيْتَامِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ فِي إِخْوَانِكَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ إِنَّمَا يَكُونُ هَذَا إِذَا قَامَ قَائِمًا - فَإِنَّهُ يُقْسِمُ بِالسَّوِيَّةِ وَ يَعْدِلُ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ الْبَرِّ مِنْهُمْ وَ الْفَاجِرِ الْحَدِيثِ^۱.

جابر بن یزید جعفی نقل کرده است که شخصی به محضر امام باقر علیه السلام رسیده و پانصد درهم را به عنوان زکات به همراه داشته است و از امام باقر علیه السلام درخواست می کند که آن مبلغ را دریافت کرده و در بین فقرا تقسیم کنند. امام باقر علیه السلام به او می فرماید: خودش آن مال را در بین همسایگان، یتیمان و سایر مسلمان فقیر تقسیم کنند. امام باقر علیه السلام در ادامه روایت فرموده اند: تقسیم کردن اموال به صورت مساوی مربوط به زمان حضور است که امام زمان علیه السلام اموال را به صورت مساوی تقسیم کرده و عدالت را در بین مردم برپا می کنند.

بنابراین روایاتی وجود دارد که از آنها استفاده می شود که تقسیم اموال بین همه فقرا لازم نیست. در حالی که این روایات با ادعای مطرح شده مبنی بر اینکه بر حکومت اسلامی لازم است که اموال در اختیار خودش را در بین همه فقرا تقسیم کند، سازگار نیست.

پاسخ این است که بحث حاضر در مورد وظیفه حکومت اسلامی در زمانی است که حاکم اسلامی دارای بسط ید باشد. در مورد این زمان بیان شد که وظیفه امام معصوم علیه السلام و یا نمایندگان و نائبان آنها این است که در زمان برپائی حکومت اسلامی، از طریق دریافت زکات و یا سایر اموالی که داخل در بیت المال می گردد، همه فقرا را تأمین کنند. اما روایاتی که به عنوان معارض بر أدله پیشین مطرح شده است، مربوط به زمان عدم بسط ید برای امام معصوم علیه السلام است و در آن بیان شده است که خود مردم زکاتشان را بین فقرا تقسیم کنند. در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، زکات توسط خود ایشان جمع آوری می شده است، اما در زمان حکومت های بنی امیه و بنی عباس، ائمه علیهم السلام این اقدامات را انجام نمی داده اند بلکه بنی عباس و بنی امیه بوده اند که زکات های مردم را دریافت کرده و بر اساس نظر خود بین مردم تقسیم می کرده اند. در این زمان ها که ائمه بسط ید نداشته و برای آنها میسر نبوده است که به جمع آوری زکات بپردازند، به مردم بیان کرده اند که زکات را خودشان پرداخت کنند که این مسأله می تواند به دو صورت انجام شده باشد:

الف: ائمه علیهم السلام تفویض ولائی و حکومتی کرده اند؛ یعنی در زمان عدم بسط ید نیز باید زکات به ائمه علیهم السلام پرداخت گردد، اما با توجه به شرائط آن زمان که همراه با تقیه بوده است، ائمه علیهم السلام این امر را به خود افراد واگذار کرده اند کما اینکه اصل حکومت نیز برای ائمه علیهم السلام است، اما زمانی که امکان حکومت کردن آنها وجود ندارد، فقها را حاکم قرار داده اند تا به قضاوت کردن و یا امور دیگر بپردازند. بنابراین تفویض ولائی از سوی ائمه علیهم السلام رخ داده است.

ب: تفویض ولائی صورت نگرفته است، بلکه در زمان عدم بسط ید که امکان دریافت زکات توسط ائمه علیهم السلام نبوده است، حکم الهی این است که خود مردم می توانند زکاتشان را پرداخت کنند و لازم نیست به امام معصوم علیه السلام بدهند. نکته دیگر این است که در زمان پرداخت زکات توسط خود مردم، پرداخت به همه فقرا هم لازم نیست؛ چون اولاً: مقدار زکاتی که هر شخص پرداخت می کند، بسیار محدود

۱. وسائل الشیعة، ۹: ۲۸۲.



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

است و قابل تقسیم بین همه فقرا نیست. ثانیاً: فرضاً مقدار زکات به گونه ای باشد که قابل تقسیم بین همه فقرا باشد، برای مردم عادی ممکن نبوده است که در بین همه فقرا تقسیم کنند؛ چون حکومت ها مانع آنها شده و اجازه چنین اقداماتی را نمی داده اند.

بنابراین عدم لزوم پرداخت زکات به همه فقرا، مربوط به زمان عدم بسط ید امام معصوم علیه السلام است و این مطلب، منافاتی با لزوم پرداخت زکات به همگان در زمان بسط ید امام علیه السلام ندارد. در این زمینه می توان به دو شاهد اشاره کرد:

۱- شاهد اول صحیح زراره است که در آن تعبیر «إِنَّ الْإِمَامَ يُعْطِي هُوَ لَا جَمِيعاً لِأَنَّهُمْ يُقْرُونَ لَهُ بِالطَّاعَةِ»^۱ به کار رفته است. بر

اساس این روایت، به جهت اینکه همه شهروندان مطیع و فرمانبردار امام معصوم علیه السلام هستند، بر ایشان لازم است که

زکات را در بین همه آنها تقسیم کند، اما در ادامه روایت آمده است: «فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا تُعْطَى أَنْتَ وَ أَصْحَابُكَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُ فَمَنْ

وَجَدَتْ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمِينَ عَارِفاً فَأَعْطِهِ دُونَ النَّاسِ». این قسمت از روایت به زمان عدم بسط ید امام علیه السلام اشاره کرده

است که خود مردم به پرداخت زکات در بین فقرا می پردازند. این روایت شاهد جمع بین أدله است که روایات دال بر وجوب

پرداخت زکات به همه فقرا، مربوط به زمان بسط ید امام علیه السلام است و در صورتی که بسط ید وجود نداشته باشد، خود

مردم زکاتشان را در بین تعدادی از فقرا تقسیم خواهند کرد.

۲- شاهد و مؤید دوم روایتی از ابوبصیر است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَمْرِو بْنِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجْتَمِعُ عِنْدَهُ مِنَ الزَّكَاةِ الْخَمْسُمِائَةَ وَالسُّتُمِائَةَ يَشْتَرِي بِهَا نَسَمَةً وَيُعْتِقُهَا فَقَالَ إِذَا يَظْلَمُ قَوْمًا آخِرِينَ حُقُوقَهُمْ ثُمَّ مَكَثَ مَلِيًّا ثُمَّ قَالَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ عَبْدًا مُسْلِمًا فِي ضَرُورَةٍ فَيَشْتَرِيَهُ وَيُعْتِقَهُ.^۲

در این روایت از این مطلب سؤال شده است که زکات به فقرا پرداخت نگردد بلکه با آن عبدی خریداری شده و آزاد

گردد. امام صادق علیه السلام بیان کرده اند که خرید عبد از اموال زکات و آزاد کردن آن، موجب ضایع شدن حقوق

برخی از فقراء می شود؛ چون نیاز آنها برطرف نشده و مجبور خواهند شد که با گرسنگی بگذرانند. اما در ادامه روایت

امام صادق علیه السلام بیان کرده اند که اگر عبدی در مشقت باشد و عبد بودن او مشکلاتی را به همراه داشته باشد،

شخص می تواند از اموال زکات او را خریداری کرده و آزاد نماید. بنابراین وظیفه اولی این است که زکات در بین همه

فقرا تقسیم گردد تا تأمین مالی گردند، اما در زمان هایی که این مسأله ممکن نیست و بسط ید وجود ندارد، زکات به

دست آمده در بین همه تقسیم نمی شود بلکه به مصارف خاصی مانند آزاد کردن عبد می رسد و یا بین تعداد خاصی

از فقرا تقسیم می شود.

در مورد روایت سوم نیز که در آن به تقسیم شدن علی السویه زکات در زمان ظهور اشاره کرده است، پاسخ همین است که در زمان ظهور که

بسط ید وجود خواهد داشت، زکات در بین همه به صورت مساوی تقسیم می شود. اما در مورد حکومت های اسلامی قبل از ظهور این حکم

وجود ندارد و حاکمان اسلامی می توانند بر اساس مصالحی که در نظر آنها وجود دارد، زکات را در بین فقرا تقسیم کنند.

۱. الکافی ۳: ۴۹۶.

۲. وسائل الشیعة ۹: ۲۹۲.



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

علاوه بر نکات ذکر شده، برخی از روایاتی که به عنوان معارض مطرح شده اند، با اشکال سندی هم مواجه هستند که به این بحث پرداخته نمی شود.

نتیجه این است که وظیفه حکومت اسلامی است که فقرا را با استفاده از زکات و غیر آن تأمین مالی کند؛ یعنی اگر زکات های پرداخت شده برای تأمین مالی فقرا کافی نباشد، حاکم اسلامی باید از سایر اموال که داخل در بیت المال شده است، فقرا را تأمین کند.

تبیین وظیفه حکومت اسلامی نسبت به پرداخت حقوق بازنشستگی

مکمل وظیفه اول این است که حکومت اسلامی وظیفه دارد که به افراد بازنشسته حقوق پرداخت کند. این مطلب اختصاصی به مسلمانان هم ندارد و نسبت به کفاری هم که شهروندان حکومت اسلامی هستند، بر حکومت اسلامی لازم است که به آنها از بیت المال حقوق بازنشستگی پرداخت کند. مقصود از بازنشسته کسانی هستند که مدتی مشغول به کار از قبیل کارگری یا کارمندی بوده اند و بعد از چند سال کارکردن، از کارافتاده شده و قادر بر تأمین معاش خود نباشند. نسبت به این افراد حکومت اسلامی وظیفه دارد که زندگی آنان را تأمین کند؛ اعم از اینکه مسلمان یا کافر باشند.

مطرح کردن این بحث به عنوان مکمل برای مطالب پیشین به این جهت است که بیت المال عمدتاً از طریق زکات، فیه و مواردی از این قبیل تأمین می گردد که اختصاص به مسلمانان دارند و لازم است برای آنان مصرف گردند. اما پذیرش این مطلب موجب نمی شود که کفاری که شهروند حکومت اسلامی هستند، در فقر باقی بمانند و حکومت اسلامی زندگی آنها را تأمین نکند؛ بلکه بر حکومت اسلامی لازم است که زندگی آنان را نیز از بخش دیگر بیت المال که اختصاص به مسلمانان ندارد، تأمین کند. دلیل بر این مطلب روایتی است که صاحب وسائل در ابواب جهاد عدو نقل کرده است. در این روایت آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَائِدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ رَجُلٍ بَلَغَ بِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: مَرَّ شَيْخٌ مَكْفُوفٌ كَبِيرٌ يَسْأَلُ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع مَا هَذَا قَالُوا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ نَصْرَانِيٌّ فَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع اسْتَعْمَلْتُمُوهُ حَتَّى إِذَا كَبُرَ وَعَجَزَ مَنَعْتُمُوهُ أَنْفِقُوا عَلَيْهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.^۱

این روایت در مورد پیرمرد نابینای نصرانی است که از مردم درخواست کمک می کرده است. امیرالمؤمنین علیه السلام وقتی این شخص را مشاهده می کنند، حتی بعد از اینکه متوجه می شوند که نصرانی است، امر به پرداخت و تأمین نفقه او از بیت المال کرده و بیان می کنند که آن شخص در زمان جوانی و قدرت داشتن به کار گرفته شده است و همین امر موجب می شود که در زمان پیری و ناتوانی رها نشود؛ بلکه باید هزینه های او از بیت المال تأمین گردد.

دلالت روایت بر لزوم پرداخت حقوق بازنشستگی حتی به غیر مسلمانان روشن است؛ چون اگرچه قضیه شخصیه و مربوط به واقعه خاصی است، اما ملاکی که امام علیه السلام برای پرداخت به آن نصرانی بیان کرده اند، عام است و شامل همه کسانی که مدتی اشتغال به کار داشته اند و در ادامه ناتوان شده و بازنشسته شده اند، می شود و بر حکومت اسلامی لازم است که همه این افراد را تأمین مالی کند. البته در مورد مسلمانان، این روایت با روایات پیشین که مربوط به تأمین مالی فقرا از خمس و زکات است، تداخل می کند و هر دو دسته از روایات، تأکید بر تأمین مالی فقرا را می کنند. اما در صورتی که مصرف خمس و زکات اختصاص به مسلمانان داشته باشد و نتوان آنها را به کفار



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

پرداخت کرد، این روایت دلالت می کند که کفار نباید در زمان بازنشستگی رها شده و در فقر بمانند بلکه حکومت اسلامی باید زندگی آنها را نیز از سایر منابع مالی خود تأمین کند.^۱

راویانی که بعد از محمد بن ابی حمزه قرار گرفته اند با مشکلی مواجه نیستند و سند روایت تا محمد بن ابی حمزه معتبر است. اما محمد بن ابی حمزه، بین محمد بن ابی حمزه ثمالی و محمد بن ابی حمزه تیملی است. محمد بن ابی حمزه ثمالی توسط کشی توثیق شده است؛ چون ایشان بیان کرده اند که فرزندان ابوحمزه ثمالی ثقة هستند که یکی از آنها محمد است.^۲ اما ابوحمزه تیملی توثیق خاص ندارد. البته شیخ طوسی او را در قسم مرتب از اصحاب امام صادق علیه السلام ذکر کرده است و لذا مشخص می شود که از رجال ابن عقده استخراج کرده است. بنابر پذیرش این مطلب، مشکل سندی روایت تا این بخش حل می گردد و تنها مشکل سندی آن، مرسله بودن است. با توجه به این اشکال، روایت صرفاً در صورتی قابل استناد خواهد بود که اطمینان به صدور آن حاصل شود. اما در صورتی که نتوان این مشکل را حل کرد، ادعای لزوم پرداخت حقوق بازنشستگی به کفار دچار اشکال می شود. البته فی الجمله ثابت است که افراد بازنشسته باید حقوق داشته باشند. اما اثبات این مسأله در مورد کفار تابع ادله ای است که مصرف بیت المال را مشخص کرده است. در صورتی که تعبیر «لایعرف» اصطلاح برای غیرشیعه ها باشد، شامل کفار نمی شود، اما اگر به معنای غیرشیعه باشد و شامل کفار هم بشود، زکات برای کفار هم قابل استفاده خواهد بود. این مطلب بحث دیگری است که باید در مجال دیگر مورد بررسی قرار گیرد.

وظیفه حکومت اسلامی نسبت به جبران خسارت های وارد شده بر شهروندان

وظیفه دوم از وظائف حکومت اسلامی، جبران خسارتی است که بر شهروندان وارد می شود.

بر اساس این وظیفه، بر حکومت اسلامی لازم است که هر خسارتی که بر شهروندان وارد می شود، حتی اگر ثروتمند باشند، جبران کند. به عنوان مثال در صورت رخ دادن وقایعی همچون سیل، زلزله، جنگ که موجب آسیب دیدن اموال افراد می شود، باید حکومت اسلامی خسارت های حاصل شده را جبران کند. علاوه بر موارد ذکر شده مدعا این است که خسارت های ناشی از فرار کردن اختلاس گران که امکان دسترسی به آنها نیست و یا ورشکست شدن برخی از مؤسسات دولتی و غیر دولتی نیز بر عهده حکومت اسلامی است. بنابراین هر گونه خسارتی اعم از سماوی و غیر سماوی و همچنین خسارت های وارد شده به جهت خصومت های بین دولت ها یا خصومت های بین اشخاص، مشمول این وظیفه شده و تأمین آن لازم است.

البته محدوده ای که در آن جبران خسارت می شود، تابع ادله ای است که در آینده مطرح می شود و بر اساس ادله پیش رو می توان محدوده این وظیفه حکومت اسلامی را تعیین کرد؛ چون ممکن است برخی از ادله اساساً اطلاق نداشته باشند و یا اینکه اطلاق آنها منصرف به موارد خاصی باشد.

۱. اینکه بیت المال شامل چه اموالی می شود و هر یک از آنها چه مصارفی دارند، بحث دیگری است که باید در جای مناسب خود مورد بررسی قرار گیرد تا مشخص گردد که هر مالی اختصاص به چه کسانی دارد؟ به عنوان مثال انفال، معادن، ارث من لاوارث له، اموالی که به عنوان جزیه پرداخت می شود، جزو بیت المال هستند، اما ممکن است که بخشی از آنها دارای مصرف خاصی باشند.

۲. قَالَ أَبُو عَمْرٍو سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ حَمْدَوِيَّ بْنَ نُصَيْرٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ الثُّمَالِيِّ وَ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ وَ مُحَمَّدٍ أَحْوِيَّهِ وَ أَبِيهِ فَقَالَ كُلُّهُمْ ثِقَاتٌ فَاضْمِنُون. رجال الكشي - إختيار معرفة الرجال، النص ۴۰۶.



الف: صحیحہ عبدالله بن سنان و ابن اذینه

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الصَّفَّارِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى عَنْ يُونُسَ عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ وَابْنِ سَنَانَ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ لَحِقَتْ أَمْرَأَتُهُ بِالْكَفَّارِ وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي كِتَابِهِ وَإِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِنْ أَرْوَاجِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ فَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاجُهُمْ مِثْلَ مَا أَنْفَقُوا - مَا مَعْنَى الْعُقُوبَةِ هَاهُنَا قَالَ أَنْ يُعَقَّبَ الَّذِي ذَهَبَتْ أَمْرَأَتُهُ عَلَى امْرَأَةٍ غَيْرِهَا يَعْنِي يَتَزَوَّجَهَا بِعَقَبٍ فَإِذَا هُوَ تَزَوَّجَ امْرَأَةً غَيْرَهَا فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُ مَهْرَهَا مَهْرَ امْرَأَتِهِ الذَّاهِبَةِ قُلْتُ فَكَيْفَ صَارَ الْمُؤْمِنُونَ يَرُدُّونَ عَلَى زَوْجِهَا بَعْدَ فِعْلِ مَنْهُمُ فِي ذَهَابِهَا وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَنْ يَرُدُّوا عَلَى زَوْجِهَا مَا أَنْفَقَ عَلَيْهَا مِمَّا يُصِيبُ الْمُؤْمِنِينَ قَالَ يَرُدُّ الْإِمَامُ عَلَيْهِ أَصَابُوا مِنَ الْكُفَّارِ أَمْ لَمْ يُصِيبُوا لِأَنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَ جَمَاعَةً مِنْ تَحْتِ يَدِهِ ...^۱

تنها مشکلی که در سند این روایت وجود دارد، مربوط به محمد بن عیسی بن عبید است که وثاقت او محل اختلاف است و در مورد او توثیق و تضعیف وجود دارد، اما علی التحقیق ثقة و جلیل القدر است. مقصود از ابن سنان نیز محمد بن سنان نیست که محل اختلاف است بلکه مقصود عبدالله بن سنان است و لذا روایت صحیحہ است.

این روایت در مورد کسی است که همسر او فرار کرده و ملحق به کفار شده است. از امام علیه السلام در مورد تعبیر «عاقبتم» که در آیه ۱۱ سوره ممتحنه است، سوال شده است. امام علیه السلام فرموده اند: این تعبیر به این معنا است که مردی که همسر او فرار کرده است، با زن دیگری ازدواج کند و وقتی ازدواج کرد، بر امام علیه السلام لازم است که مهر زنی را که فرار کرده است، به آن مرد پرداخت کند؛ چون فرض این است که آن مرد مهریه زوجه اول خود را پرداخت کرده است ولی آن زن، مهریه ای را که دریافت کرده است را همراه خود برده و فرار کرده است. تا این بخش از روایت مربوط به مورد خاصی است که صرفاً در همان مورد قابل استناد است، اما در ادامه روایت از امام علیه السلام در مورد وجه این مسأله سوال شده است که بیت المال متعلق به همه مسلمانان است و آنها نیز دخالتی در فرار کردن آن زن نداشته اند. از چه باب باید خسارت وارد شده بر آن مرد، از بیت المال تأمین گردد. امام علیه السلام در پاسخ به این سوال، به کبرای کلی اشاره کرده اند که بر امام علیه السلام واجب است که خسارت های وارد بر کسانی که تحت حکومت او زندگی می کنند و شهروند او محسوب می شوند را جبران کند.^۲ این بخش، به ضابطه و قانون کلی اشاره کرده است که اطلاق آن تمامی خسارت ها اعم از سماوی و غیرسماوی، انسانی و غیرانسانی را شامل می شود و لذا حتی اگر زن و شوهری اختلاف شخصی داشته باشند و زن فرار کرده باشد، اطلاق کبرای کلی اقتضا می کند که حکومت اسلامی خسارت وارد شده بر شوهر او را جبران کند.

مناقشات

در مورد استدلال به صحیحہ عبدالله بن سنان مناقشاتی مطرح شده است:

الف: عدم عمل اصحاب به روایت

اولین اشکال بر استدلال به صحیحہ عبدالله بن سنان و ابن اذینه این است که کبرای کلی که در این روایت مطرح شده است، مورد عمل اصحاب نیست و روایت مورد اعراض قرار گرفته است؛ چون هیچ یک از فقها فتوا نداده اند که حاکم وظیفه دارد که بیت المال را صرف جبران

۱. وسائل الشیعة ۲۱: ۲۸۶.

۲. البته این بخش از روایت دارای نقل دیگری است. شیخ طوسی در این بخش، تعبیر «عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُجْبِرَ جَمَاعَةً مِنْ تَحْتِ يَدِهِ؛ تَهْدِيبُ الْأَحْكَامِ ۶: ۳۱۳» را نقل کرده است. اما این نقل صحیح نیست؛ چون «یجبر» به معنای اجازه دادن است و در این قسمت از روایت، اجازه کردن امام علیه السلام معنا ندارد؛ چون فرض این است که شخص با فرار کردن زوجه اش خسارت دیده است که خسارت او باید جبران شود و اساساً مسأله ای وجود ندارد که نیاز به اجازه امام علیه السلام وجود داشته باشد.



جلسه: ۰۷
تاریخ: ۱۴۰۲/۰۸/۰۹

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: پاسخ به شبهات لزوم تأمین مالی فقراء توسط حکومت اسلامی
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

خسارت های مردم کند. حتی سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین علیه السلام و همچنین سیره متشرعه نیز بر این امر نبوده است. بنابراین مشخص می شود که روایت از امام علیه السلام صادر نشده است و اگر هم صادر شده است، معنای دیگری دارد. پاسخ این است که اولاً: احکام سلطانی و حکومتی مبتلا به نبوده است و اساساً فقها به این بحث ها نپرداخته اند. علاوه بر اینکه جزئیات سیره معصومین علیهم السلام و همچنین فتاوی بسیاری از فقها در دسترس نیست تا عمل کردن یا عدم عمل آنها به این روایت مشخص گردد. ثانیاً: فرضاً معصومین علیهم السلام چنین سیره ای نداشته باشند و فقها نیز به این روایت عمل نکرده باشند، ممکن است از باب تزاحم و کافی نبودن بیت المال بوده باشد. به تعبیر دیگر اساساً بودجه ای برای حکومت های اسلامی وجود نداشته است که بخواهند به امور فقرا رسیدگی کنند. به عنوان مثال حضرت امیر المؤمنین در چند سالی که حکومت داشته اند، به صورت مستمر در حال جنگ بوده اند و سرمایه ای باقی نمی مانده است.